



پوهاند عبدالحي حبيبي

امير گرو و جهان پهلوان

از اقدم شعراى زبان پشتو که بما تا کنون معلومست، جهان پهلوان امير گرو و بن امير پولاد سوريست و سوري از طوايف معروف غور بود، که تا کنون هم در بادغيس و زور آباد شمال هرات بنام (زوري) ياد ميشوند، و زور آباد تا کنون هم موجود و به اين نام مشهور است. ريشه اين نام به کلمه سوري که در ویدارب النوع آفتاب بود ميپيوند اين نام را زاير چيني هيون تسانگ در حدود (۶۳۰ع) بنام شونا ياد کرده که معبد آن را در ارضى داور غوردیده بود (۱) به قول البلاذري در سنده (۳۰هـ) عبدالرحمن بن سمره، از راه الرخيچ بلاد- الداور، جبل الزور را محاصره کرده و بت طلايي که بنام (زور) معروف بود و چشم ياقوتى داشت بشکست (۲) :

۱- تاريخ افغانستان ج ۲ ص ۵۷۷، جغرافيه خلافت شرقى ص ۳۴۶

۲- فتوح البلدان ص ۴۰۲ .

از قول یاقوت هم معاً م می‌شود که (زور) نام بٹی بود، در بلاد داور (۳) که پیش از یاقوت اصطخری در المسالك والممالک خود، و ابوزید احمد بن سهل بلخی در صور الاقالیم از آن ذکر کرده بودند (۴). خلاصه نام سوری از همان (زور) قبل الاسلام باقی مانده و در دوره اسلام هم همین قبیله در اراضی سرخس و بادغیس شمال هرات زندگانی داشتند. و شهرزور را بند (یا قوت) بنام همین قبیله شهرت یافت. که رجال علمی و سیاسی ازین قبیله برخاسته اند، مانند ابوبکر عتیق بن محمد السور آبادی مفسر معروف حدود (۵۴۶۰) و سوری بن المعتز از رجال عصر سلطان مسعود (۵) و ماهوی سوری که فر دوسی اورا سوری نژاد و حکمران بلخ و هری و بخارا خوانده (۶) . یزدگر دپادشاه آخرین ساسانی را در مرو و بکشت و از طرف حضرت علی (رض) به شاهی مرو شناخته آمد (۷) و هکذا (سور) در جمله اجدادی شنسب غور یعنی دودمان معروف پادشاهان غوری و برادر سام بود، که بر اراضی غور حکمرانی داشت (۸) .

۳- مرصدا لاطلاع ص ۲۰۶ .

۴- معجم البلدان ج ۴ ص ۲۸ .

۵- مرصدا، یاقوت ص ۲۰۶، و تاریخ بیهقی ص ۱۷۹ .

۶- شاهنامه ج ۵ ص ۳۱۱ .

۷- فتوح البلدان، الیعقوبی ج ۲ ص ۲۱۴ .

۸- طبقات ناصری ج ۱ ص ۱۷۶- ۱۷۷ .

و باز همین قبیله سوریست که در جمله قبایل افغانی از خویشاوندان (لودی) شمرده شده و از اعقاب آن سوریان هند پیدا شدند که شیرشاه سوری از آنها بود (۹) و بقایای این طایفه تا کنون در شمال هرات در بادغیس بنام (زوری) یاد می‌شوند. که در حدود همان (زورآباد) قدیم بر سرحد افغانستان و ایران سکونت دارند. از زمان قبل‌الاسلام در غور از همین قبیله خانواده شنسب بن خرنک حکمرانی داشتند. امیر کرور سوری جهان پهلوان شاهی است که اشعار پشتوی او را مولف پته‌خزانه بحواله کتاب لرغونی پشته‌انه مولفه شیخ کته‌متی زی خلیل آورده و شیخ کته‌هم از کتاب تاریخ سوری محمد بن علی البستی نقل کرده بود، بدین تفصیل: «امیر کرور ولد امیر پولاد به سال ۱۳۹ هـ در مذهب غور امیر بود و «جهان پهلوان» نامیده شده و تمام قلاع غور را از قبیل تمران، خیسهار و برکوشک بگرفت و باد و دمان رسالت (آل‌عباس) در حصول خلافت امدادها کرده مرد پهلوان و جنگی بوده که با صد نفر می‌جنگید و بنا بران او را «کرور» گفتند یعنی محکم و سخت. وی در موسم سرما به قصر خود در زمیند اور میزیست و از نسل همان سوریست که از اعقاب سهاک (ضحاک) بود، و در غور و بالستان و بست شاهی داشت و در دعوت ابوالعباس سفاح بر خلاف بنی‌امیه به امداد ابومسلم شریک بود.

امیر کرور به سال (۱۵۴ هـ) در جنگهای فوشنج مرد، و امیر ناصر

۹- مخزن قلمی، ورق ۱۸۱، صولت افغانی، ص ۳۲۵.

فرزندش ممالک اور ادر غور و سور و پست و زمیندا و در ضبط آورد.
 میگویند: امیر کرور امیر عادل و ضابط و دارای سخنان خوبی بود
 چون در دعوت آل عباس فتوحات نمایانی کرده اشعاری را بصورت
 «ویارنه» (در زبان پشتو به معنی حماسه) سرود، و به فتوحات خود
 افتخار کرد، وی درین حماسه گوید: من پادشاه دلاور و شپروش هستم
 و نظیر من پهلوانی در هند و سند و تخار و کابل و زابل نیست ☺
 و در تحت ظللال شمشیر من هرات و جروم، مرو، هریوالر و د، غرج
 و بامیان و تخار شاملند و در و مهم مرا می شناسند، دشمنان از نام من
 لرزند و سوریان را سر بلند ساخته ام، بر کوهسار ان بلند حکم من جاریست
 مداحان نام مرا بر منابر می برند و برز عایای خود مهر بانم و بر دشمنان
 سخت تازان (۱۰)

این شعر او به زبان پشتو در یکی از بحور قدیم سروده شده و در
 آن الفاظی هست که اکنون مستعمل و زنده نیست و قدمت زبان
 و صلابت افکار و فصاحت زبان از ان هوید است و قدیمترین شعر
 پشتو که تا هنوز کشف شده همینست که در حدود سنه (۱۵۰ ه.ق)
 سروده شده و از آن ثابت میشود که زبان سوریان قدیم و خانواده
 غوریان باستانی پشتو بود.